

قرار اناطه

و

قابل پژوهشی بودن آن

در اصل موضوع تأثیری نداشته و بهمین جهت حق مدعی خصوصی را تضییع یا تضییق نمیکنند چه: وقتی طبق اصول کلی و صریح قانون - تشخیص گنهکاری کسی وابسته به حل مسئله قبلی و تحقق امری است که از صلاحیت دادگاه حقوق باشد صدور قرار اناطه اجباری و غیر قابل اجتناب و ثانیاً قرار مزبور از جمله دستورات و اوامر قضائی است که بر علیه هیچیک از طرفین تأثیر خاص و مستقیمی ندارد باین معنی که حقانیت شاکی در دادگاه حقوق ثابت و محرز گردید فوراً میتواند کلیه حقوق و خسارات ناشیه از عمل مشتکی عنه را مطالبه و بوسیله دادگاه جزا خسارات معنوی و اخلاقی خویش را هم با کیفر دادن بگنهکار تأمین کند. و اگر برخلاف ادعای او به ثبوت نرسید کمترین ضرری متوجه او و طرف او نگشته و بلکه بیشتر از خسارات معنوی که بر اثر تعقیب جزائی بی جهت شخص بی گناهی را متضرر میکند جلوگیری خواهد شد:

حال ممکن است فرض نمود که در اثر طول جریان دادرسی در دادگاه حقوق و یا تصمیم بی جهت قاضی بصورت قرار اناطه (که اصلاً مورد نداشته) زبانی متوجه شاکی خصوصی شود -

بمقیده دسته فوق هر دو صورت قضیه جبراً پذیراست:

در صورت اول هر چند تأخیر در استیفاء حق رخ میدهد ولی اولا تأخیر مزبور برای هرکس که مراجعات حقوقی داشته و دعوای خود را ناچار با ثبات است - حادث و ثانیاً در صورت ثبوت دعوی او چون امور قابل ارجاع بدادگستری ولو خسارات معنوی در عصر امروز قابل تقویم و جبران است مدعی خصوصی بالاخره ضرر نکرده خسارات ناشیه را استیفاسکند.

قرار اناطه محتاج تعریف نیست و بر همه واضح است که بموجب ماده ۱۷ [۱] قانون آئین دادرسی جزائی هرگاه تشخیص گنهکار بودن کسی بسته بامری است که باید در دادگاه حقوق ثابت شود باز پرس تعقیب جزائی را بصورت حکم قطعی از دادگاه مزبور معلق نموده قرار اناطه صادر میکند موضوع فوق در نزد دانشمندان و رویه قضائی و قوانین کشور های مختلف مورد اتفاق و قبول بوده بعللی که مورد بحث مانست مزایای کامل آن مسلم است.

فقط نکته که در اینجا مورد توجه و بحث است همانا قابل پژوهش بودن این قرار میباشد که بنظر برخی باتوجه بنص صریح قانون و استدلال و منطق قضائی شکایت از قرار مزبور مطلقاً قابل رسیدگی نیست.

و بعضی دیگر بر خلاف نظر قاض در این موضوع را قابل شکایت میدانند برای بحث در این قسمت لازم است متن ماده مربوطه در آئین دادرسی جزائی را مورد نظر قرار دهیم:

ماده ۱۷۱ - « مدعی خصوصی در کلیه مواردیکه او امر مستنطق حقوق او را تضییع یا تضییق مینماید میتواند اعتراض کند. . . . » کسانی که قرار اناطه را غیر قابل شکایت میدانند چنین استدلال میکنند که قرار اناطه بهیچوجه

[۱] ماده ۱۷ - هرگاه ثبوت تقصیر متهم منوط است به مسائلی که محاکمه و ثبوت آن از خصایص محاکم حقوقی است مثل حق مالکیت و افلاس امر جزائی تعقیب نمیشود و اگر تعقیب شده معلق میماند تا حکم قطعی از محکمه حقوق

صادر شود.

در صورت دوم - یعنی خطایا گنهکاری قاضی و اعمال نظر خصوصی او در صدور قرار موجب شکایت تعقیب انتظامی بوده راه ترمیم خسارات مدعی خصوصی توسط مسبب خسارت باز است -

پس در هر دو صورت خسارت و زیانی متوجه مدعی خصوصی نمیشود تاخیر در رسیدن بحق نیز تضییق و تضییع نیست و تاخیر مزبور از جمله ضروریات و اشکالاتی است که هر فردی در زندگی اجتماعی باید تحمل کند -

نظریه فوق و غیر قابل پژوهش بودن در قرار اناطه مورد اتفاق نبوده هم چنین استدلال مزبور نیز درجه مفعول قوی نیست که بتوان تسلیم آن کردید .

چه : علی الاصول و بانوجه بفسلفه بزرگ و بسیار مهمی که بر ایجاد قوه قضائیه و چند مرحله بودن آن مورد اتفاق است کلیه تصمیمات قاضی که اثر حقوقی و خارجی دارد باید قابل بازرسی بوده و از طرف مقام بالاتر مورد تأمل و تصویب قرار گیرد تا از اشتباهات متصوره و زیانهای حاصله جلوگیری شده از اصول خود مختاری قاضی بکلی جلوگیری شود .

ثانیاً - کلیه افکار و اندیشه هائی که تا کنون در امنیت قضائی و حفظ حقوق بشر بکار رفته در درجه اول برای منع و جلوگیری از زیان متصوره و در درجه دوم ترمیم خسارت است - و بانوجه باین اصل لازم بتذکر است که قرار اناطه نیز در همه جا و همه احوال بی ضرر نیست علاوه از اینکه ممکن است قاضی بر اثر سهو و اشتباه دره سائلی که اساساً قابل اناطه نیست چنین قراری صادر کنند قاضی مزبور نیز از کلیه خطایا و معایب زندگی میری نیست و اصل چند مرحله بودن قضاوت خود مؤید این معنی بوده میتوان فرض کرد که استثنائاً قاضی در موضوعی اعمال نظر خصوصی نموده و از اینراه با نبودن بازرسی در تصمیم او به مدعی خصوصی زیان جبران ناپذیر متوجه شود .

گرچه طرفداران اصل فوق جواب گفته اند که در صورت خطایا تقصیر قاضی قابل تعقیب است و خسارات

ناشیه متوجه او بوده ناچار از ترمیم میشود لکن جبران خسارات مزبور در هر صورت چه در مورد گنهکار و چه قاضی غالباً از مرحله خیال تجاوز نمیکنند - چه با فاصله زیاد بین اثبات حقانیت در مرحله حقوق و احقاق حق شاکی و هم چنین امکان اعسار و فرار از اداء حق از طرفی و غیر عملی بودن استیفاء خسارت از قاضی عملش ناشی از تصدی با امر دولتی بوده و مسئله ترمیم خسارت افراد که ناشی از اعمال حاکمیت و تصدی دولت باشد هنوز پس از سالها بحث در نزد دانشمندان حقوق جزائی حل نشده و مورد قبول دولت نیست فرض مزبور منتفی است از طرف دیگر غالب خسارات در امور جزائی جنبه معنوی داشته و آنی و معاصر با وقوع گناه است و با گذشتن مدت زیاد خسارت مزبور آثار خود را گذارده و دیگر ترمیم آن تاثیر زیادی در اعاده حیثیت و وضعیت مدعی خصوصی ندارد علاوه گاه میشود که قرار اناطه مستقلاً و بطور مستقیم حق مدعی خصوصی را تضییع و تضییق میکند و گاه بکلی راه تعقیب جزائی را بر مدعی خصوصی مسدود می کند .

در عمل دیده شده در مورد اتهام کسی که ملک متصرفی غیر را به ثبت داده و سند مالکیت گرفته - و بنا بر این از نظر حقوقی غیر قابل تعقیب است - باز پرس قرار اناطه صادر کرده است یا در اموال منقول مالکیت شاکی را منوط بانبات در دادگاه حقوق دانسته هم چنین در موارد دیگری که قرار اناطه بدون مجوز قانونی و ارتباط با امر حقوقی صادر شود درست است که مدعی خصوصی میتواند قاضی را در دادگاه انتظامی تعقیب کند ولی با فرض امکان تعقیب این امر در صورتی هم که بر خطاکار بودن قاضی و توبیخ و کیفر بیشتری منتهی شود باز موجب ترمیم خسارت شاکی - که از محو آثار جرم یا فرار گنهکار یا از دست رفتن مال و موضوع گناه یا فوت او که تعقیب جزائی را موقوف میسازد - نخواهد بود و بالا اقل حق او را تضییق میکند